

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادبیات عرب آسان

(صرف و نحو)

مؤلف

سید محمد حسن روناسی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: روناسی، سیدمحمدحسن، ۱۳۷۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: ادبیات عرب آسان (صرف و نحو) / مؤلف سیدمحمدحسن روناسی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۵ ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۵-۴۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: زبان عربی -- صرف و نحو
	Arabic language -- Morphosyntax
	زبان عربی -- صرف و نحو -- راهنمای آموزشی
	Arabic language -- Morphosyntax -- Study and teaching
رده بندی کنگره	: PJ۶۲۰۳
رده بندی دیویی	: ۴۹۲/۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۹۰۶۴۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: ادبیات عرب آسان (صرف و نحو)
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: سیدمحمدحسن روناسی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰۵-۴۷-۷
قیمت	: ۱۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، بلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منحصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

باب اول: اسم	۱۸
بخش اول: درآمدی بر اسم	۱۸
فصل اول: تقسیم‌بندی اسم از نظر جنس	۲۳
فصل دوم: تقسیم‌بندی اسم از جهت تعداد	۲۵
فصل سوم: تقسیم بندی اسم از جهت تصریف	۳۱
بخش دوم: اسم معرفه و نکره	۳۴
فصل اول: ضمائر	۳۵
فصل دوم: اسم اشاره	۴۱
فصل سوم: اسم موصول	۴۴
فصل چهارم: معرفه به ال	۴۸
فصل پنجم: اضافه	۴۸
فصل ششم: اسم علم (خاص)	۵۰
بخش سوم: اسم جامد و مشتق	۵۱
فصل اول: اقسام اسم جامد	۵۱
فصل دوم: اقسام اسم مشتق	۵۲
گفتار اول: اسم فاعل	۵۳
گفتار دوم: اسم مفعول	۵۴
گفتار سوم: اسم زمان و مکان	۵۶
گفتار چهارم: اسم تفضیل	۵۸
گفتار پنجم: صفت مشبّهة	۵۹
گفتار ششم: صیغة مبالغه	۶۰
گفتار هفتم: اسم آلت (اسم ابزار)	۶۱
گفتار هشتم: تصغیر و نسبت	۶۲

۶۳	باب دوم: معرب و مبنی
۶۶	بخش اول: اقسام بناء
۶۸	بخش دوم: اعراب و انواع آن
۶۸	فصل اول: اعراب ظاهری و اقسام آن
۶۹	گفتار اول: اسم مثنی
۷۰	گفتار دوم: جمع مذکر سالم
۷۰	گفتار سوم: اسماء خمسہ
۷۲	گفتار چهارم: جمع مونث سالم
۷۲	گفتار پنجم: اسم غیر منصرف
۷۳	گفتار ششم: مضارع مجزوم ناقص
۷۳	فصل دوم: اعراب تقدیری و اقسام آن
۷۴	گفتار اول: اسم مقصور
۷۵	گفتار دوم: اسم منقوص (فقط در حالت رفع و جر)
۷۷	فصل سوم: اعراب محلی
۷۷	گفتار اول: فعل مضارع مرفوع
۷۸	گفتار دوم: فعل مضارع منصوب
۸۰	گفتار سوم: فعل مضارع مجزوم
۸۶	باب سوم: اقسام جمله
۸۶	بخش اول: جمله اسمیہ
۸۷	فصل اول: انواع خبر
۸۷	گفتار اول: خبر مفرد
۸۸	گفتار دوم: خبر جمله
۸۹	گفتار سوم: خبر شبه جمله (جار و مجرور - ظرف)

- فصل دوم: موارد تقدم خبر بر مبتدا..... ۹۰
- بخش دوم: جمله فعلیه..... ۹۱
- فصل اول: فاعل..... ۹۲
- فصل دوم: مفعول به..... ۹۷
- فصل سوم: افعال قلوب..... ۹۸
- فصل چهارم: فعل لازم و متعدی..... ۹۹
- فصل پنجم: اغراء و تحذیر..... ۱۰۰
- فصل ششم: فعل مجهول..... ۱۰۴
- فصل هفتم: مفعول مطلق..... ۱۰۸
- گفتار اول: مفعول مطلق تأکیدى..... ۱۰۸
- گفتار دوم: مفعول مطلق نوعی (بیانی)..... ۱۰۹
- گفتار سوم: مفعول مطلق عددی..... ۱۰۹
- گفتار چهارم: موارد جانشین مفعول مطلق..... ۱۱۰
- فصل هشتم: مفعول له (مفعول لأجله)..... ۱۱۳
- فصل نهم: مفعول فیه..... ۱۱۵
- فصل دهم: مفعول معه..... ۱۱۸
- فصل یازدهم: تمییز..... ۱۱۹
- گفتار اول: تمییز مفرد..... ۱۱۹
- گفتار دوم: تمییز نسبت..... ۱۲۰
- گفتار سوم: موارد تشخیص تمییز جمله..... ۱۲۰
- فصل دوازدهم: مستثنی..... ۱۲۴
- گفتار اول: مستثنای تام..... ۱۲۵
- گفتار دوم: مستثنای مفرغ..... ۱۲۵
- فصل سیزدهم: منادی..... ۱۳۱

- گفتار اول: منادای عَلَم (خاص)..... ۱۳۱
- گفتار دوم: منادای نکرهٔ مقصوده..... ۱۳۲
- گفتار سوم: منادای مضاف..... ۱۳۳
- فصل چهاردهم: اشتغال..... ۱۳۸
- فصل پانزدهم: حال..... ۱۴۰
- گفتار اول: حال مفرد..... ۱۴۰
- گفتار دوم: حال جمله..... ۱۴۱
- فصل شانزدهم: اعداد..... ۱۴۵
- فصل هفدهم: توابع..... ۱۵۰
- گفتار اول: نعت..... ۱۵۰
- گفتار دوم: تأکید..... ۱۵۱
- گفتار سوم: بدل..... ۱۵۲
- گفتار چهارم: عطف..... ۱۵۳
- باب چهارم: فعل..... ۱۵۵**
- بخش اول: درآمدهی بر فعل..... ۱۵۵
- بخش دوم: فعل ماضی..... ۱۵۶
- بخش سوم: فعل مضارع..... ۱۵۸
- بخش چهارم: فعل نهی..... ۱۶۰
- بخش پنجم: فعل امر..... ۱۶۲
- بخش ششم: فعل مستقبل..... ۱۶۴
- بخش هفتم: فعل مزید و مجرد..... ۱۶۵
- فصل اول: ثلاثی مجرد..... ۱۶۵
- فصل دوم: ثلاثی مزید..... ۱۶۵

- گفتار اول: باب افعال ۱۶۹
- گفتار دوم: باب مفاعله ۱۷۰
- گفتار سوم: باب تفعیل ۱۷۱
- گفتار چهارم: باب‌های تفاعل و تَفَعَّل ۱۷۲
- گفتار پنجم: باب‌های افتعال و انفعال ۱۷۲
- گفتار ششم: باب استفعال ۱۷۳
- فصل سوم: فعل‌های رباعی مجرد ۱۷۴
- بخش هشتم: نواسخ ۱۷۵
- فصل اول: افعال ناقصه ۱۷۵
- فصل دوم: حروف مشبیه بالفعل ۱۷۷
- فصل سوم: افعال مقاربه ۱۷۹
- فصل چهارم: «لا» ی نفی جنس ۱۸۰
- بخش نهم: فعل صحیح و معتل ۱۸۲
- فصل اول: فعل صحیح ۱۸۲
- گفتار اول: مضاعف ۱۸۲
- گفتار دوم: فعل مهموز ۱۸۵
- گفتار سوم: فعل سالم ۱۸۷
- فصل دوم: فعل معتل ۱۸۷
- گفتار اول: اعلال در فعل مثال (معتل الفاء) ۱۸۹
- گفتار دوم: اعلال در فعل اجوف (معتل العین) ۱۹۰
- گفتار سوم: اعلال در فعل ناقص (معتل اللام) ۱۹۱
- گفتار چهارم: فعل لفیف (معتل الفاء و معتل اللام - معتل العین و معتل اللام) ۱۹۳
- بخش دهم: اسلوب تعجب ۱۹۴
- بخش یازدهم: اسلوب مدح و ذم ۱۹۷

باب پنجم: علوم بلاغی..... ۲۰۵

بخش اول: علم معانی..... ۲۰۹

گفتار اول: کلام خبری..... ۲۱۰

گفتار دوم: ادوات تاکید..... ۲۱۱

بخش دوم: علم بیان..... ۲۱۲

فصل اول: تشبیه..... ۲۱۲

گفتار اول: ارکان تشبیه..... ۲۱۲

گفتار دوم: ادوات تشبیه..... ۲۱۳

گفتار سوم: اقسام تشبیه..... ۲۱۳

فصل دوم: مجاز..... ۲۱۴

گفتار اول: علاقه‌های مجاز..... ۲۱۵

گفتار دوم: مجاز عقلی..... ۲۱۹

فصل سوم: استعاره..... ۲۲۱

گفتار اول: انواع استعاره..... ۲۲۱

فصل چهارم: کنایه..... ۲۲۳

گفتار اول: انواع کنایه..... ۲۲۴

بخش سوم: علم بدیع..... ۲۲۶

فصل اول: جناس..... ۲۲۶

گفتار اول: انواع جناس..... ۲۲۶

فصل دوم: سجع..... ۲۲۷

فصل سوم: طباق..... ۲۲۷

باب ششم: نکاتی در باب ترجمه..... ۲۲۹

گفتار اول: خطبه بدون نقطه مولانا امیرالمومنین علیه السلام..... ۲۴۲

۲۴۷.....	گفتار دوم: خطبه بدون الف سیدنا امیرالمومنین <small>علیه السلام</small>
۲۵۸.....	گفتار سوم: خطبه دوم نهج البلاغه.....
۲۵۹.....	گفتار چهارم: خطبه سوم نهج البلاغه.....
۲۶۳.....	گفتار پنجم: خطبه ششم نهج البلاغه.....
۲۶۴.....	گفتار ششم: خطبه هفتادوسه نهج البلاغه.....
۲۶۴.....	گفتار هفتم: خطبه ششقیه نهج البلاغه.....
۲۶۶.....	باب هفتم: تجزیه و ترکیب.....
۲۶۶.....	گفتار اول: نکات کلی در باب تجزیه و ترکیب.....
	گفتار دوم: نکاتی در مورد ترکیب کلمات که می توان به عنوان یک قانون کلی از آنها یاد کرد.....
۲۶۷.....	
۲۶۸.....	گفتار سوم: نکاتی در حوزه افعال.....
۲۷۰.....	گفتار چهارم: در مورد اَسْمَاء.....
۲۷۲.....	گفتار پنجم: در مورد ترکیب.....
	گفتار ششم: دعای سلامتی قطب عالم وجود حضرت صاحب الامر و الزمان صلوات
۲۸۱.....	الله و سلامه علیه.....
۲۸۳.....	گفتار هفتم: دعای فرج امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۸۹.....	گفتار هشتم: سوره حمد.....
۲۹۶.....	گفتار نهم: آیات ولایت.....
۳۳۳.....	گفتار دهم: نمودارهای جمع بندی.....
۳۴۰.....	گفتار یازدهم: حروف.....
۳۴۴.....	گفتار دوازدهم: نکات تکمیلی.....

سخن مولف

یا رب التحية و السلام ...

الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤمنين و اولاده
المعصومين عليهم السلام

شكر خدا را كه هرچه نعمت روزى ما مى كند نه از روى لياقت، بلكه به
سبب ولايت و محبت محمد و آل محمد عليهم السلام نصيب ما مى كند؛ چنانچه
امروز نيز توفيق تأليف اين اثر را تحت عنايات اميرالمؤمنين عليه السلام روزى
حقير ساخت. يادم مى آيد روزى چنان در سيل كتب حوزه سردرگم و
آشفته بودم كه پيش يكي از اساتيدم رفتم و شرح حال خود را گفتم.
يكي از گلایه هايم از خودم آن بود كه تا نزديك چهار سال است كه
كتب مختلف ادبيات عرب از صرف و نحو و بلاغت را خوانده ام ولى با
نخواندنش هيچ فرقى نكرده است!

استاد گفتند: آيا از كتاب هايى كه خوانده اى نوشته اى هم دارى؟ گفتم:
بلى نکته هايى را يادداشت کرده ام. گفتند: كتاب صمدیه را دوباره بخوان
با صوت و مباحثه و سعی کن نکاتی را که ندارد از جزوه برداری های
ديگر كتاب هايى كه خوانده اى به آن اضافه كنى و از همه مهم تر سعی
كن انگيزه اى قوى براى خواندنت، نوشتنت و گفتنت پيدا كنى!

به دنبال انگيزه بودم كه صفحه نخست صمدیه، انگيزه را نشانم داد...
سَيِّمًا: ابن عمّه على بن ابيطالب عليه السلام الذى نصبه علماً للاسلام ... و واضع
علم النحو لحفظ الكلام. تمام انگيزه من نه فقط براى اين امر بلكه براى
كل امورم على عليه السلام و فقط على عليه السلام بود و تنها على عليه السلام بود. حال كه ردپايى
از معشوق در نحو ديدم دويدم؛ تا در حرم يار در ايوان نجف به توصيه اى

دوست عزیزم آقا سید عارف بنی‌صدر قرار شد این تقریرات چاپ شود تا هم ادای دینی باشد و هم نشر زکات اندک اندوخته‌ی حقیر. باشد که مقبول واقع شود و باقیات صالحاتی برای حقیر گردد.

کتابی که پیش روی شماست در واقع ترجمه و مجمل کتاب «المفید فی قواعد اللسان العرب» حقیر است که اصل کتاب به زبان عربی و فعلاً چاپ نشده است. کتابی است که پایه آن بر صمدیه شیخ بها است و اضافات و نکات مضاعف آن از کتبی چون شرح ابن عقیل، شرح قطر الندی و بل الصدی، مبادی العربیه، هدایه، صرف ساده، و یک سری نوشته‌های پراکنده و دیگر کتب ادبی است. مضاعف بر این کتاب که یک درسنامه عمومی محسوب می‌شود شما باید به تجزیه و ترکیب عبارات چه در قرآن چه در روایات و چه عبارات دیگر بپردازید؛ چرا که زبان عربی را فقط در حوزه عمل که همان تجزیه و ترکیب است می‌توان فراگرفت. به‌همین منظور کتابی تحت عنوان تجزیه و ترکیب جزء سی‌ام قرآن کریم تالیف شده بود ولیکن به‌دلیل آثار مشابه آن در بازار، چاپ آن را تحصیل حاصل و اسراف دانستیم. لذا برای اندوختن مضاعف و تکمیل فرآیند یادگیری‌تان به این کتب تجزیه و ترکیب می‌توانید رجوع کنید. کتبی مثل اعراب القرآن‌الکریم محیی‌الدین درویش، البیان فی غریب‌القرآن ابوالبرکات، فروغی از قرآن نشر نهاوندی و به دیگر کتب اعرابی همین نشر.

در انتها دست تمام باغبانان این نهال کوچک علم را که پیش روی شماست از پدر و مادر عزیزم و اساتید بزرگوام و در رأس همه دست

وجود ذی‌جود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را بابت تمام آنچه را که هستیم و تمام این هستی را از ایشان دارم می‌بوسم و این کمترین کاری است که می‌توانم بکنم که باید محضرشان عرض کنم: یا ایها العزیز مسّنا و اهلنا الضّرّ و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علينا ان الله یجزی المتصدقین.

والسلام علی من اتبع الهدی و رحمه الله وبرکاته

۱۸ / ذی‌الحجه / ۱۴۳۸ هـ . ق

عیدالله الاکبر عید غدیرخم

سید محمدحسن روناسی

ما را که کشته لعل لبانت اباالحسن علیه السلام

بیچاره شد آنکه شنید از تو نحو را...

تقدیم به ساحت مقدس یگانه ولایت مطلقه علویه

دردانه خلقت هستی

ابا العجائب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام

(محضر حضرتش در هر صفحه صلواتی مرحمت کنید)

یا علی علیه السلام

پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به‌طور کلی ادبیات عرب مشتمل بر چهار علم است: علم نحو، علم صرف، علم بلاغت و علم لغت.

علم صرف: درباره کلمه خارج از جمله بحث می‌کند و به عبارتی کلمه را به ما هو کلمه بحث می‌کند نه از آن جهت که در کجای جمله قرار دارد و چه نقشی گرفته است. مواردی مثل جامد و مشتق بودن در اسم؛ ماضی، مضارع و امر بودن در فعل و مبنی و معنی بودن در حرف. **علم بلاغت:** از یک سری قواعدی برای فصاحت بیشتر کلمه در کلام بحث می‌کند.

علم نحو: درباره کلمه داخل جمله بحث می‌کند از حیث آنکه کلمه در قالب یک جمله چگونه ترکیب می‌شود و چه نقشی می‌گیرد و اعراب انتهایی آن چه می‌شود. مواردی مثل مرفوع، منصوب، مجرور در اسم و مرفوع و منصوب، مجزوم در فعل و عامل و غیرعامل بودن در حرف از مواردی است که کلمه در کلام از آن بحث می‌شود.

موضوع علم نحو چنان که گفته شد کلمه و کلام است.

اقسام کلمه:

اسم: کلمه‌ای است که بر معنی مستقلی دلالت کند بدون مفهوم زمان‌های گذشته، حال، آینده مانند: احسان، معلّم، هذا و...

فعل: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت کند و آن معنی مقتدرن به یکی از زمان‌های سه‌گانه ماضی، مضارع و امر باشد. ذَهَبَ،

يَذْهَبُ، اِذْهَب.

حرف: کلمه‌ای است که بر معنای غیرمستقلی دلالت کند؛ یعنی برای دلالت کردن بر معنای خود، باید به کلمه‌ی دیگری ضمیمه شود، مثل مَن، الی، و، اَم ...

این تقسیم بندی رایجی است که در اکثر کتب ادبی دیده می‌شود. لیکن ما اجمالا در این کتاب در باب حروف سعی کردیم مباحث مرتبط با اسم را در همان بخش و مباحث حروف مرتبط با فعل را در همان بخش مختصرا بیان کنیم؛ علت این عمل چنین است که ما اول مفصلا در المفید مباحث را آورده‌ایم ثانيا به علت گستردگی مباحث حروف و نپرداختن مفصل به آن ما به عنوان بخش مکمل همین کتاب با کتاب دیگری به نام رساله الحروف تألیف نمودیم که از همین انتشارات به چاپ رسیده است.

نکته بعدی در تألیف این اثر آن بوده است که حقیر قائل به خواندن نحو، صرف و بلاغت به صورت جداگانه نیستم؛ چراکه فراگیرنده، مدت زیادی را باید صرف کند تا ارتباط این علوم را در کلمه و کلام پیدا کند. لذا جای خالی این اثر را درسال‌های طلبگی خود حس می‌کردم، تا به فضل خداوند متعال و حضرات اهل بیت علیهم‌السلام توانستم تا حدودی به بضاعت خود با تألیف المفید و این اثر به این مهم بپردازم. لذا فهرست بندی این اثر ادبی به‌واسطه التقاط مباحث صرفی و نحوی با دیگر کتب ادبی تا حدی متفاوت است که البته دقت بیشتری را می‌طلبد و فراگیری ادبیات عرب را به مراتب سهل‌الوصول تر می‌کند؛ به‌عنوان

مثال، اگرچه کتاب در حقیقت دارای دوبخش اصلی اسم و فعل است ولیکن در میان این دوبخش اصلی، دو بخش اعراب و اقسام جمله است که در آن‌ها تمام مباحث اسم و فعل و حرف برای فهم بیشتر آورده شده است، مباحثی که اگر هر یک در بخش مجزایی آورده می‌شدند خواننده چندین بار نیاز به ارجاع به مباحث دیگر برای فهم مطلب داشت ولیکن ما برای فهم بهتر، همه‌ی آن‌ها را در یک بخش آوردیم.

باب اول: اسم

بخش اول: در آمدی بر اسم

اسم کلمه‌ای است که بر معنی مستقلی دلالت کند، بدون مفهوم زمان‌های گذشته، حال، آینده مانند: احسان، معلّم، هذا و...
تذکر: مصادر و ضمائر، اسم هستند. مصدر مانند: تعلیم، و ضمیر مانند: هو و...

علائم مخصوص اسم: ۱- هر کلمه‌ای که دارای «ال» باشد اسم است. مانند: الكتاب، المعلم.

نکته: اسمی که دارای «ال» باشد، تنوین نمی‌گیرد.

۲- هر کلمه‌ای که دارای تنوین باشد، اسم است. مانند: کتاب، انسان
تذکر: «ال» و تنوین از علامات اصلی اعراب هستند.

نکته ۳: اسمی که تنوین داشته باشد، «ال» نمی‌گیرد.

نکته ۴: تنوین بر سه قسم است: تنوین ضمه ً، تنوین فتحه َ و تنوین کسره ِ؛ تنوین نصب یعنی همان تنوین فتحه در اسم‌هایی که «ة» یا همزه «ء» در آخر نداشته باشند روی «الف» نوشته می‌شود؛ ولی تنوین کسره و ضمه بر روی آخرین حرف کلمه قرار می‌گیرند.

تلمیذ --- < تلمیذاً تلمیذة --- < تلمیذةً جزء --- < جزءاً

نکته‌ها: بعد از کم استفهامیه، همیشه یک اسم مفرد می‌آید که از نظر اعراب، منصوب است. نقش اسم منصوب بعد از کم استفهامیه،

تمییز است.

اسم تمییز = مفرد و منصوب مثال: کم رجلاً، کم لاعباً
تذکر: کم استفهامیه را با کم خبریه اشتباه نگیرید. بعد از کم خبریه که تمییز است یا یک اسم مجرور می‌آید یا یک اسم مجرور به حرف جر من.

مثال: اللهم مولای کم من قبیح سترته، و کم من فادح من البلاء اقلته،
و کم من عثارٍ وقیته....!

(خداوندا ای جان جانان چه بسیار زشتی‌هایی که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگینی که از من دور ساختی و چه بسیار لغزش‌هایی که مرا از لغزش در آنها حفظ کردی...).

{تمام عبارات مشخص شده "کم" خبریه هستند}.

۳- هر کلمه‌ای که دارای «ة» باشد، اسم است. مانند: کتابه، فاطمه

۴- هر کلمه‌ای که پس از حروف جر بیاید، اولاً مجرور است، ثانیاً اسم است. مانند کلمه علی در عبارت «بعلی» یعنی به علی قسم.

تذکر: مهمترین حروف جر، عبارتند از: من، فی، الی، علی، عن، لی، به، ک
مانند: علی الشجرة (اسم مجرور)

۵- هر کلمه‌ای که پس از حروف ندا بیاید اسم است، (یا - وا)؛

مانند: یا سیوف - وامحمداه

۶- هر کلمه‌ای ساکن الوسط باشد، اسم است. مانند: قَتْلُ، كُفْرُ.

۷- هر کلمه‌ای که به «الف» و همزه ختم شود، اسم است.

مانند: زهراء، صحراء

تذکر: اسمی که به «الف» و همزه ختم شود، اسم ممدود نامیده می‌شود.

۸- مضاف (اضافه شده) مانند واژه بیت در عبارت «بیت الله» که به

الله اضافه شده است.

۹- اسم مُصَغَّر: مانند: رُجیل

۱۰- اسم مَنَسُوب: مانند: ایرانی

- علائم مخصوص اسم
- ۱- «إلی»
 - ۲- تنوین ـُـ
 - ۳- «ة»
 - ۴- هر کلمه پس از حروف جر
 - ۵- هر کلمه پس از حروف ندا (یا - وا)
 - ۶- هر کلمه ساکن الوسط
 - ۷- اسامی ممدوده
 - ۸- مضاف (اضافه شده)
 - ۹- اسم مصغر
 - ۱۰- اسم منسوب

جمع :تک :ثنا	جنس	$\left(\begin{array}{l} \text{مذکر} \\ \left(\begin{array}{l} \text{حقیقی} \\ \text{مجازی} \end{array} \right) \\ \text{مونث} \\ \left(\begin{array}{l} \text{معنوی حقیقی} \\ \text{معنوی مجازی} \\ \text{لفظی} \end{array} \right) \end{array} \right)$
	تعداد	$\left(\begin{array}{l} \text{مفرد} \\ \text{مثنی: انِ یین} \\ \text{مذکر سالم: ونَ - یِنَّ} \\ \text{مونث سالم: ات} \\ \text{جمع: مکسر بدون قاعده خاص است} \\ \text{اسم جمع} \\ \text{اسم جمع اجمع} \end{array} \right)$
	تصریف	$\left(\begin{array}{l} \text{منصرف: اسمی اعراب با دارا بودن شرایط اخذ تنوین} \\ \text{غیرمنصرف: اسمی اعراب که شرایط اخذ تنوین و علامت} \\ \text{اسم علم مونث} \\ \text{اسم علم مذکر غیرعربی} \\ \text{اسامی شهرها و کشورها} \\ \text{صفت بر اوزان} \left(\begin{array}{l} \text{أَفْعَل، فَعْلَى} \\ \text{فَعْلَان، فَعْلَى، فِعْلَاء} \end{array} \right) \\ \text{جمع مکسر با سومین حرف الف} \\ \text{اسامی علم مختوم به ان} \\ \text{اسامی محدود به «اء» زائده} \end{array} \right)$

<p>نکره</p> <p>(- اسم علم - معرفه به "ال" - ضمیر - اسم اشاره - اسم موصول)</p>	تعریف
<p>جامد</p> <p>(جامد مصدری جامد غیر مصدری)</p> <p>مشتق</p> <p>(اسم فاعل اسم مفعول اسم زمان اسم مکان اسم تفصیل صفت مشبیه اسم مبالغه اسم آلت (ابزار))</p>	جامد و مشتق

فصل اول: تقسیم‌بندی اسم از نظر جنس

مذکر: اسمی است که در عربی فعل، ضمیر، اسم اشاره و... را برایش به صورت مذکر می‌آورند.

مانند: ذَهَبَ عَلِيٌّ - هُوَ عَلِيٌّ - هَذَا عَلِيٌّ

اقسام اسم مذکر بر دو نوع است:

الف) مذکر حقیقی: اسمی است که بر انسان یا حیوان نر دلالت کند.

محمد - حسن - عالم - جَمَلٌ - ثور

ب) مذکر مجازی: اسمی است که بر انسان یا حیوان نر دلالت نمی‌کند، اما قواعد اسم مذکر بر آن صادق است، یعنی فعل، ضمیر، اسم اشاره و... برای آن مذکر می‌آید.

مانند: قمر (ماه) - باب (در) - بیت (خانه) و...

مونث: اسمی است که در عربی، فعل، ضمیر و اسم اشاره و... را برایش به صورت مونث می‌آورند.

اقسام اسم مونث بر دو نوع است:

الف) مونث معنوی حقیقی: اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده دلالت می‌کند. مانند: مریم - بنت - بقره.

ب) مونث معنوی مجازی: اسمی است که بر انسان یا حیوان ماده دلالت نمی‌کند، اما قواعد اسم مونث در آن صدق می‌کند.

مانند: سَجْدَةٌ - مزرعة

نکته: موارد زیر در حکم اسم مونث معنوی مجازی هستند:

۱- جمع مکسر غیر انسان. مانند: نجوم - مساجد

۲- اعضای زوج بدن.

مثال: ید (دست) - رجل (پا) - عین (چشم) - اُذن (گوشی)

۳- اسامی شهرها: تهران - ایران و...

۴- اسامی قبایل: بنی‌هاشم و...

۵- اسامی معروف به مونث معنوی مجازی (سَماعی): نار - شمس - دار -

ریح - نفس - بشر - عصا - سماء - حرب - فعل - جهنم

ج) **مونث لفظی**: هرگاه اسم مذکر حقیقی، دارای علامت مونث باشد، به آن اسم مونث لفظی گویند که با آن باید به عنوان یک اسم مذکر برخورد کرد؛ یعنی فعل - ضمیر - اسم اشاره و... برای آن مذکر می‌آیند. مانند: موسی - زکریا - یحیی - معاویه - اُسامة - طلحة.

نکته: هرگاه اسم مذکر حقیقی، دارای علامات مونث باشد، به آن اسم مونث لفظی گویند که با آن باید به عنوان یک اسم مذکر برخورد کرد. مانند: موسی - زکریا - معاویه - حمزة

علامت‌های اسم مونث

اسم مونث، دارای سه علامت است:

۱- ة مدوره: تلمیذة - شجرة

۲- الف و همزه ممدودة: زهراء - صحراء

۳- الف مقصوره (ی - ا): موسی - دنیا - کسری

نکته: در صورتی یک اسم مونث به حساب می‌آید که علامات فوق زائد بر کلمات باشند. برای تشخیص اینکه علامات فوق زائدند یا جزء حروف اصلی به روش ذیل عمل می‌کنیم: علامات فوق را از آخر کلمات

برمی‌داریم. اگر سه حرف باقی بماند، علامات فوق زائدند؛ در نتیجه اسم مونث است، ولی اگر کمتر از سه حرف باقی بماند، علامات فوق، جزء حروف اصلی کلمه هستند؛ در نتیجه، اسم مذکر است.

مثال: هدی ← مذکر صغری ← مؤنث حیاء ← مذکر

فصل دوم: تقسیم‌بندی اسم از جهت تعداد

۱- اسم مفرد

اسمی را گوییم که بر یکی بودن دلالت کند، مانند: کتاب

۲- اسم مثنی

اسمی را گوییم که بر دو تا بودن دلالت کند، مانند: کتابان یعنی دو کتاب علامت اسم مثنی: اِنِ وِ اِنِ است.

به این نکته توجه شود که حرکت حرف قبل از «ی» فتحه است.

تذکر: «ن» اسم مثنی همیشه حرکت کسره می‌گیرد،

مانند: معلِّمانِ ← معلِّمِینِ

نکته: هرگاه اسم مفردی حرکت آخرش مرفوع باشد ُ، ِ، هنگامی که

به صورت مثنی درآید اِنِ می‌گیرد، به بیان دیگر حرف «الف» در اسم مثنی نشانهٔ رفع است.

القلمُ ← القلمانِ

نکته: هرگاه اسم مفردی حرکت حرف آخرش منصوب ِ، َ یا مجرور

ِ، ِ باشد هنگامی که به صورت مثنی درآید «ین» می‌گیرد؛ به عبارت

دیگر حرف «ی» در اسم مثنی، نشانهٔ نصب یا جر است.

مانند: کتاباً ← کتابین کتاب ← کتابین

نکته: اسامی مقصور ثلاثی با تبدیل الف مقصوره به اصلش، مثنی می‌شوند. مانند: عصا ← عصوان

و در اسامی بیشتر از ثلاثی، الف مقصوره به یاء تبدیل می‌شود.

مانند: مصطفی ← مصطفیان

نکته: اسامی منقوص با یاء خود مثنی می‌شوند و چنانچه یاء آنها حذف نیز شده باشد یاء آنها برمی‌گردد و مثنی می‌شود.

مانند: راعی ← راعیان قاضی ← قاضیان

نکته: در اسامی ممدود همزه انتهای اسم تبدیل به واو می‌شود و مثنی می‌شود. مانند: خضراء ← خضراوان

نکته: «ان» و «ین» زمانی علامات اسم مثنی هستند که جزء حروف اصلی کلمه نباشند ولی اگر جزء حروف اصلی باشند مثنی نیستند.

معلمان ✓ لقمان ✕

نکته: کلماتی مانند: قمران - والدان - ابوان - حسانان - قمرین - والدین - ابوین - حسنین ملحقات اسم مثنی هستند.

۳- اسم جمع مذکر سالم

هرگاه بخواهیم اسم مذکری را جمع ببندیم ونَ - ین اضافه می‌کنیم. به این نکته توجه کنیم که حرکت حرف قبل از «ی» در جمع مذکر سالم، کسره است.

تذکر: حرکت حرف «ن» در جمع مذکر سالم، همیشه فتحه است.

نکته: هرگاه اسم مفردی، حرکت حرف آخرش، مرفوع باشد و بخواهیم

آن را به صورت جمع بیاوریم، به آخرش (وَنَ) اضافه می‌کنیم؛ به عبارت دیگر، حرف «واو» در جمع مذکر سالم، نشانهٔ رفع است.

نکته: اگر اسم مفردی حرکت حرف آخرش منصوب یا مجرور باشد **ـِ** و **ـٍ** و خواهیم آن را جمع ببندیم به آخرش «ینَ» اضافه می‌کنیم. به عبارت دیگر حرف «ی» در اسم جمع مذکر سالم، نشانهٔ نصب یا جر است.

نکته: «ن» اسم مثنی و جمع مذکر سالم در حالت اضافه (اضافه‌شدن) به اسم و ضمیر، حکم تنوین را دارند؛ بنابراین باید حذف شوند. به‌طور کلی، اسم مثنی و جمع مذکر سالم در حالت اضافه (مضاف واقع شدن) نه «ال» می‌گیرند و نه «ن».

مانند: مسلمی المدینه ← جمع: مسلمینَ + المدینه

مسلمی المدینه ← مثنی: مسلمینِ + المدینه

قال رسول الله ﷺ: انا و عليّ ابوا هذه الامة.^۱ (من و عليّ عليه السلام پدران این امت هستیم)

{ در اینجا کلمهٔ ابوا درحقیقت ابوان بوده است که با مضاف واقع شدن ن مثنی آن حذف شده است؛ چرا که درحالت اضافه، اسم نه ال می‌گیرد و نه تنوین؛ چون ن مثنی، ن عوض از تنوین است و در حالت مضاف واقع شدن حذف می‌شود }

شرایط جمع مذکر سالم عبارتند از:

۱- اسم عاقل باشد؛ ۲- اسم عَلَم باشد؛ ۳- اسم مذکر باشد؛

۱- حدیثی که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند:

بحارالانوار ج ۳۶ ص ۵ / عیون اخبارالرضا ج ۲ ص ۸۶ / ینابیع الموده ص ۱۴۶

۴- دارای ة نباشد؛ ۵- مرکب نباشد، یعنی دو جزئی نباشد.

نکته: بعضی از اسامی در عربی با اینکه شرایط جمع مذکر سالم را ندارند ولی به صورت جمع مذکر سالم می‌آیند. این اسامی را به دلیل فقدان شرایط جمع مذکر سالم به آنها، ملحق به جمع مذکر سالم می‌گویند (ملحقات جمع مذکر سالم) این اسامی عبارتند از:

۱- عالمونَ - عالمین (جمع عالم)

۸- علیونَ - علیین

۲- علویون (جمع علوی)

۹- أرضونَ - أرضینَ (جمع أرض)

۳- اهلانَ - اهلینَ (جمع اهل)

۱۰- بنونَ - بنینَ (جمع ابن)

۴- سنونَ - سنینَ (جمع سنة)

۱۱- عشرونَ - عشیرین

۵- ثلاثونَ - ثلاثین

۱۲- اربعونَ - اربعین

۶- خمسونَ - خمسین

۱۳- سبعونَ - سبعین

۷- ثمانونَ - ثمانین

۱۴- تسعونَ - تسعین

نکته: برای اسامی مقصور به همان ترتیب که در اسامی مثنی گفته شد عمل می‌شود و در انتها فتحه جمع را به اسم می‌دهیم.

مانند: مصطفی ← مصطفون

در اسامی منقوص، ی حذف می‌شود و علامت جمع به اسم اضافه می‌شود. مانند: قاضی ← قاضونَ

در اسامی ممدود نیز به همان ترتیب در اسامی مثنی عمل می‌کنیم و علامت جمع را به انتهای اسم اضافه می‌کنیم. مانند: حمراء ← حمراونَ

۴- اسم جمع مونث سالم

هرگاه بخواهیم اسم مونثی را جمع ببندیم به آخرش «ات» اضافه

می‌کنیم.

نکته: اسم‌هایی که با «ات» جمع بسته می‌شوند، عبارتند از:

۱- اسم علم مونث مانند: فاطمة ← فاطمات

۲- اسم عام مونث مانند: نعمة ← نعمات

۳- مصدری که بیش از سه حرف دارند. مانند: احترام ← احترامات

۴- اسم‌های غیرعربی که در زبان عربی وارد شده‌اند.

مانند: دلار ← دلارات ایال ← ایالات

نکته: هرگاه اسم مونثی «اء» داشته‌اشد هنگام جمع بستن با «ات»

همزه به واو تبدیل می‌شود.

مانند: صحراء ← صحروات سماء ← سماوات

نکته: کلمات «ابیات، اصوات، اوقات، اموات» جمع مذکراند نه جمع

مونث؛ زیرا حرف «ت» در آنها، جزء حروف اصلی می‌باشد.

۵- جمع مکسر

جمعی است که شکل مفرد آن بدون تغییر باقی نمی‌ماند بلکه این جمع با ایجاد تغییراتی در شکل مفردش به وجود آمده و هیچ قاعده و قانون خاصی ندارد.

تقسیم‌بندی جمع مکسر

الف) جمع مکسر عاقل: جمع مکسری را می‌گوییم که بر انسان دلالت

کند. مانند: رجال - تلامیذ

نکته: برای جمع‌های مکسر عاقل، فعل را می‌توان هم به صورت مذکر

و هم به صورت مونث آورد. مانند: جاءت التلامیذ ← جاء التلامیذ

ب) جمع مکسر غیرعاقل: جمع مکسری را می‌گوییم که بر غیر انسان دلالت می‌کند. مانند: مساجد، مکاتب و...

نکته: هرگاه اسم مفردی بر وزن مَفْعَل باشد، جمع مکسرش بر وزن مفاعِل می‌آید. مانند: مطبخ ← مطابخ مکتب ← مکاتب

نکته: هرگاه اسم مفردی بر وزن مفعول باشد، جمع مکسرش بر وزن مفاعیل است. مانند: مکتوب ← مکاتیب مشهور ← مشاهیر

نکته: برای جمع‌های غیرانسان، باید فعل، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول، صفت و حال مفرده به صورت مفرد مونث بیاید، زیرا جمع‌های غیرانسان در حکم مفرد مونث‌اند.

مانند: هذه المساجد (غیرانسان) الجمیله

کتبت التمرینات (غیرانسان ذوالحال) واضحهً (حال مفرده مونث)

الامور (غیرانسان) التی (مفرد مونث)

تذکر: برخی کلمات در عربی دو جمع مکسر دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

اخ ← اخوان - اخوة نفس ← انفس - نفوس

وارث ← وراث - ورثة جندی ← جنود - جند

عزیز ← اعزاء - أعزة عین ← اعین - عیون

۶- اسم جمع

اسمی را می‌گوییم که از جهت لفظی مفرد باشد ولی از جهت معنا بر جمع بودن دلالت کند.

مانند: ناس، قوم، قبیله، امة

نکته: اسامی جمع در حکم اسم مفرد هستند؛ لذا فعل، اسم اشاره، ضمیر، اسم موصول، صفت، حال مفرده و... برای آنها به صورت مفرد مونث می آید. مثال:

قال رسول الله ﷺ **حَقَّ عَلَيَّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ**
(حق علی علیه السلام بر این امت همچون حق پدر بر فرزندش است)
تلك امة قد خلت^۲

(هم اسم اشاره و هم فعل برای امة به صورت مفرد مونث آمده است)

۷- اسم جمع الجمع (منتهی المجموع)

شامل نه عدد و بیشتر از آن است یعنی حداقل سه جمع است که برای تکثیر افراد یک جمع به کار برده می شود. مانند: آیدی ← آیادی

فصل سوم: تقسیم بندی اسم از جهت تصریف

اسم منصرف: اسمی است مُعرب که شرایط گرفتن تنوین را دارد
مانند: تلمیذاً - تلمیذاً - تلمیذٍ

اسم غیر منصرف: (ممنوع من الصرف - ما لاینصرف) اسمی است معرب که نمی تواند تنوین و جر بگیرد. مهم ترین اسم های غیر منصرف عبارتند از:

۱- اسم عَلَم مونث. مانند: معاویه - زینب - فاطمة

۲- اسم عَلَم مذکر غیر عربی (عجمی).

مانند: یوسف - ابراهیم - اسماعیل - یعقوب

۱- امالی شیخ طوسی ص ۵۴

۲- بقره ۱۴۱

نکته: اسم عربی به اسمی گویند که اوَّلًا: ریشهٔ فعلی دارد (سه حرف اصلی بر وزن فَعَلَ)، ثانیاً: منصرف محسوب می‌شوند.

مانند: محمد ← حَمَدَ جواد ← جَوَدَ علی ← عَلَوُ

نکته: اسامی پیامبران همگی غیرمنصرف‌اند ولی هفت نام هستند منصرف محسوب می‌شوند که عبارتند از: محمد - شعیب - شیث - نوح - هود - لوط - صالح

۳- اسامی شهرها و کشورها. مانند: اصفهان - ایران و...

نکته: مکه و مدینه، اسم عام و به معنی شهرند و منصرف محسوب می‌شوند.

۴- صفت بر وزن افعال - فُعَلی. مانند: اکبر، کبری

۵- صفت بر وزن فعلان (عطشان) - فَعَلَاء (صحراء) - فَعَلی (عطشاء)

تذکر: کلمه آخر (به فتح خ) به معنای دیگر غیرمنصرف است ولی کلمه آخر (به کسره خ) به معنای پایان منصرف است.

۶- هر جمع دیگر مکسری که سومین حرف آن الف باشد و بعد از الف، دو یا سه حرف آمده باشد، غیرمنصرف است. مانند: مساجد - قوانین - مدارس - سوّاد - اساطیر - شیاطین بر وزن‌های: مفاعل - مفاعیل - افاعل - افاعیل

۷- اسم‌های عَلم که به «ان» ختم می‌شوند و «ا» و «ن» آن‌ها زائد است، غیرمنصرف‌اند. مانند: عثمان - شعبان - لقمان - رمضان

۸- اسم‌های ممدود که «ا» و همزهٔ آن‌ها زائد باشد. صحراء - حمراء - بیضاء

نکته: اسم غیرمنصرف از آنجایی که معرب است و باید اعراب بگیرد

و در حالت جر نمی‌تواند مکسور واقع شود لذا در مواردی که قرار است علامت جر بپذیرد و نمی‌شود؛ به جای کسره، فتحه می‌گیرد.

نکته: اسم غیرمنصرف هنگامی که مضاف واقع شود یا ال بگیرد می‌تواند کسره بگیرد.

بخش دوم: اسم معرفه و نکره

اسم نکره: اسمی است که نزد مخاطب ناشناخته و نامشخص باشد پس هر اسم عام که در آخرش تنوین باشد، نکره است ً

اسم عام: اسم عام اسمی است که همه افراد هم نوع یا همجنسش را شامل می‌شود. در زبان عربی به اسم عام، اسم جنس نیز می‌گویند. مانند: اَرْضُ (نکره عام مبینی)، اَرْضٍ (نکره عام مبینی)، اَرْضاً (نکره عام مبینی) **نکته:** اسامی استفهام و شرط نکره‌اند؛ مانند: کیف - من - ما - متی و... **نکته:** علامت نکره در عربی تنوین است ولی در فارسی (ی و یک) است. لذا به هنگام ترجمه عربی به فارسی و بالعکس به این نکته توجه کنیم؛ مانند: معلّم یعنی معلمی یا یک معلم

اسم معرفه: اسمی است که نزد مخاطب شناخته شده باشد.

اقسام اسم معرفه

اسم معرفه بر شش قسم است.

معارف شش بود مضمّر اضافه علم ذواللام و موصول و اشاره

۱- اسم عَلَم (خاص)

۲- اسم معرفه به «ال»

۳- ضمیر

۴- اسم اشاره

۵- اسم موصول

۶- معرفه به اضافه

فصل اول: ضمائر

تعریف: ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم «عَلَم» یا اسم ظاهر می‌شود. ضمیر بر دو نوع است: منفصل و متصل.

۱- منفصل: ضمیری است که جدا از فعل نوشته شود و بر دو قسم است: ۱- رفعی (در جمله معمولاً مبتدا و محلاً مرفوع‌اند) ۲- نصبی (در جمله مستقل به کار می‌روند)

۲- متصل: ضمیری است که پیوسته به فعل است و بر سه قسم است: ۱- رفعی. ۲- نصبی. ۳- جری (اتصال به فعل، اسم و حرف)

نکته: ضمیر فصل (عماد) ضمیر منفصل مرفوعی است که بین مبتدا و خبر یا آنچه در اصل مبتدا و خبر بوده است، می‌آید. مثل آنکه بین اسم افعال ناقصه و خبر این افعال بیاید و یا بین، اسم حروف مشبهه بالفعل و خبر این حروف قرار بگیرد. شرط است ضمیر فصل هنگامی در جمله بیاید که مبتدا و خبر هر دو معرفه باشند. این ضمیر از نظر جنس و عدد با مبتدا یا آنچه که در اصل مبتدا بوده مطابقت دارد.

تذکر: ضمیر فصل اولاً برای تشخیص خبر از صفت می‌آید. ثانیاً تأکید را می‌رساند که در ترجمه آن باید از کلمات تنها، فقط و همان استفاده کنیم. ثالثاً ضمیر فصل، محلی از اعراب ندارد، یعنی نه مرفوع است نه منصوب است و نه مجرور.

الله هو (ضمیر فصل یا عماد که محل از اعراب ندارد). الغفور

انّ التلمیذ هو (ضمیر فصل یا عماد که محلی از اعراب ندارد). الناجح

قال رسول الله ﷺ والذی نفسی بیده انّ علیاً وشیعته هم الفائزون^۱ (در این جمله واژه «هم» ضمیر فصل یا عماد، موکد کلام و مبنی است، و محلی از اعراب ندارد).

(به خدایی که جانم در دست اوست، همانا تنها علی و شیعیانش از رستگارانند) {نقل به تواتر از شیعه و سنی}

نکته: کلماتی که مُسند واقع می‌شوند و فقط جنس و عدد هستند مسندالیه را نشان می‌دهند و چندم شخص آن‌ها را تعیین نمی‌کند؛ لذا در اینگونه موارد، همواره می‌توان هریک از صیغه‌های غائب، مخاطب و متکلم را به کار برد؛ مگر آنکه قرینه آن را محدود کند.

ضمائر منفصل مرفوع:

جمع مونث	جمع مذکر	مثنی مذکر و مونث	مفرد مونث	مفرد مذکر	صیغه
هنّ	هم	هما	هی	هو	غائب
انتنّ	انتم	انتما	انتِ	انتّ	مخاطب
نحن	نحن	نحن	انا	انا	متکلم

ضمایر منفصل منصوب

این ضمایر در جمله مستقل به کار می‌روند. این ضمایر در هر جای جمله قرار گیرند، نقش آنها مفعول به و محلاً منصوب‌اند. دقت کنیم که جملاتی که با این ضمایر آغاز می‌شوند، اولاً جمله فعلیه هستند. ثانیاً

این ضمایر در جمله، تأکید را می‌رسانند؛ بنابراین در ترجمه آن‌ها باید از کلمات تأکیدی استفاده نمود. (فقط، تنها و...)

نکته: ضمایر منفصل منصوب با کلمه «ایّا» آغاز می‌شوند. مانند: ایّاک نعبد (جمله فعلیه) (مفعول به محلاً منصوب)

نکته: ضمایر مخاطب منفصل نصبی در جمله می‌توانند از علائم اسلوب تحذیر باشند. اسلوب تحذیر آن است که گوینده جمله خود را به گونه‌ای مطرح کند که در این حالت مخاطب خود را نسبت به چیزی هشدار دهد. مانند جمله ایّاک واکذب یعنی از دروغ بپرهیز. در اسلوب تحذیر همیشه از این ضمایر استفاده می‌کنیم که ضمیر منفصل نصبی را «محذور» و اسم بعد از آن را «محذّرمنه» می‌نامیم. بنابراین در مثالی که مطرح شد ایّاک (محذّر - مفعول به و منصوب) و الکذب (محذّرمنه - معطوف عامل آن فعل محذوف أحرز)

صیغه	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر و مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث
غائب	إِيَّاهُ	إِيَّاهَا	إِيَّاهُمَا	إِيَّاهُمْ	إِيَّاهُنَّ
مخاطب	إِيَّاكَ	إِيَّاكِ	إِيَّاكُمَا	إِيَّاكُمْ	إِيَّاكُنَّ
متكلم	إِيَّايَ	إِيَّايَ	إِيَّانَا	إِيَّانَا	إِيَّانَا

ضمایر متصل: این ضمایر در جمله، همراه کلمه بعد از خود به کار می‌روند (اسم، فعل، حرف) و بر دو نوع‌اند:

۱- ضمایر متصل رفعی

این ضمایر همیشه همراه فعل به کار می‌روند و اگر با فعل معلوم به کار روند، فاعل و محلاً مرفوع‌اند و اگر با فعل مجهول به کار روند، نایب فاعل و محلاً مرفوع‌اند و اگر با افعال ناقصه به کار روند (کان، صارَ و...) اسم افعال ناقصه و محلاً مرفوع‌اند. این ضمائر عبارتند از:

صیغه	مفرد مذکر	مفرد مونث	مثنی مذکر و مونث	جمع مذکر	جمع مونث
غائب	مستتر	مستتر	ا	و	نَ
مخاطب	تَ	تِ	ا	تُم	تُنَّ
متکلم	تُ	تُ	نا	نا	نا

نکته: ضمایر تَ - تما - تم - تِ - تِ - تَ - تَنَّ مخصوص فعل ماضی هستند.
نکته: ضمایر ا، و، ن میان فعل ماضی و مضارع و امر مشترک‌اند.
نکته: ضمیر «ی» مخصوص فعل مضارع و فعل امر است. (صیغه للمخاطبه).

نکته: تاء تانیث ساکنه «تْ» ضمیر نیست؛ بلکه نشانهٔ مونث بودن فاعل، نایب فاعل و اسم افعال ناقصه است.

نکته: هرگاه آخر فعل، ساکن باشد (چه ماضی، چه مضارع و چه امر) و بعد از فعل، اسم «ال» دار بیاید، برای از بین بردن ساکن، کسره به حرف آخر فعل می‌دهیم که به آن «کسرهٔ عارضی» (نمایشی) می‌گویند.
 ذَهَبَتِ التَّمِيذَةُ

(برای دفع التقای ساکنین برای هر موردی که باشد کسر می‌دهیم).

۲- ضمایر متصل نصبی یا جری

این ضمایر با هرسه نوع کلمه (اسم، فعل، حرف) به کار می‌روند و نوع آن‌ها (نصبی یا جری) به کلمه‌ای که بدان متصل می‌شوند، بستگی دارد. به این ترتیب که:

الف) اگر این ضمایر به فعل متصل شوند، اولاً نصبی بوده و ثانیاً نقش آنها مفعول به و محلاً منصوب‌اند.

ب) اگر این ضمایر با حروف مشبهه به کار روند، (إِنَّ، أَنَّ و لَأَنَّ، لیت، لعل و...) همچنان نصبی هستند و نقش آن‌ها اسم حروف مشبهه و محلاً منصوب‌اند.

ج) اگر این ضمایر با اسم و حروف جر به کار روند، جری هستند و نقش آن‌ها با اسم، مضاف‌الیه و محلاً مجرور و با حرف جر، جار و محلاً مجرور هستند.

نکته: تمامی ضمایر معرفه‌اند.

نکته: ضمایر متصل نصبی و جری عبارتند از:

صیغه	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر و مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث
غائب	هُوَ - هِ	هَا	هُمَا - هِمَا	هُم - هِمْ	هُنَّ - هِنَّ
مخاطب	كَ	كِ	كُما	كُهم	كُنَّ
متكلم	أنا	أنا	أنا	أنا	أنا

مثال: یعلمه (فعل + ضمیر متصل نصبی محلاً منصوب)؛ اِنَّکَ (حروف مشبهة بالفعل + ضمیر متصل نصبی)؛ کتابکَ (اسم + ضمیر متصل، مضاف الیه محلاً مجرور)؛ فیکَ (حرف جر + ضمیر متصل، جار و مجرور محلاً مجرور) است.

نکته: «ن» وقایه: «ن» مکسوری است که از تغییر حرکت حرف آخر کلمه جلوگیری می‌کند. دقت شود در هنگام اتصال فعل به ضمیر متکلم وحده «ی» میان فعل و ضمیر «ی» از «ن» وقایه استفاده می‌کنیم. مانند: ضربنی - اضرینی - یضرینی

نکته: هنگام اتصال حروف مشبهة بالفعل به ضمیر متکلم وحده «ی»، میان آن‌ها «ن» وقایه می‌آوریم. مانند: لیت ← لیتنی

نکته: هنگام اتصال دو حرف جر «من و ان» به ضمیر متکلم وحده «ی»، نیز میان آن‌ها «ن» وقایه می‌آوریم: عتی - متی

نکته: بقیه حروف جر، هنگام اتصال به ضمیر متکلم وحده «ی»، نیازی به «ن» وقایه ندارند. همچنین هنگام اتصال اسم به ضمیر وحده «ی»، نیازی نیست از «ن» وقایه استفاده کنیم.

نکته: ضمیر «نا» با فعل یا نصبی است یا رفعی، که برای تشخیص رفعی یا نصبی بودن آن باید به نکات ذیل توجه نمود:

۱) ضمیر «نا» اگر با فعل مضارع و فعل امر به کار رود (امر حاضر) اولاً نصبی است ثانیاً نقش آن مفعول و محلاً منصوب است.

مثال: یَنْصُرُنَا (مضارع) اُنْصِرْنَا (امر) یُعَلِّمُنَا (مضارع) عَلَّمْنَا (امر) = نصبی مفعول به محلاً منصوب.